

زورگویی و خودسری خارجیا تاکی؟؟؟

پژوهشی از (صبح)



فقط در عرصه نظامی نیست که "طالبان" با عملیات های انتحاری و دهشت افگنی استراتژی جهانی مبارزه با تروریسم را به چالش کشیده اند بلکه در زمینه آبادی و بازسازی کشور، دهها تعهد بزرگ خارجی بر زمین نقش بسته است. این سخن که هیچ اتفاق مثبتی در زنده گی مردم رخ نداده است از سطح گلایه های مردم نگران ما فراتر رفته و امروز به صورت يك مؤاخذه در تریبون های جهانی از سوی دولت مردان کشور و دوستانش بیان می شود. مقام های دولت در فهرست اشتباهات و بدقولی های جبهه ائتلاف به اهمال بزرگ آنان در تجهیز اردو و پولیس اشاره می کنند و همان سخن تلخ نوری المالکی را بر زبان می آورند که ناتو و ائتلاف جهانی دولت افغانستان را در میدان جنگ با تروریست ها بی ساز و برگ گذاشته اند.

حمله آمریکا به افغانستان و قدرت گرفتن نیروهای "طالبان"، آمار بالای تولید مواد مخدر، مسلح شدن جنگ سالاران همه و همه موجب شد تا نقض های حقوق بشر علیه صدها تن از غیر نظامیان بی گناه افزایش یابد. می توان به این نکته اشاره کرد که جنگ علیه تروریسم آمریکا که با بهانه ی نابودی "القاعده" نو سال پیش آغاز شد بدون هیچ دستاوردی دنبال می شود و تنها قربانیان این جنگ تعداد بیشماری از غیرنظامیان در کشور هستند.

هم اکنون سربازان نزدیک به چهل کشور در سرزمین بی صاحب ما حضور دارند ولی اغلب آنها در جستجوی فرصت مناسبی برای خارج کردن نیروهای شان می باشند.

یک علت مهم بروز چنین حالتی ناباوری به اهداف و نیات پشت پرده آمریکا است. برای خیلی از کشورهای عضو ناتو این موضوع که آمریکا و انگلیس در پشت پرده با "طالبان" وارد مذاکره شده اند

و در همان حال در ظاهر بر ادامه مبارزه با آنها تاکید دارند قابل فهم نیست. این گونه تردیدها در کنار فشار افکار عمومی بعضی از کشورها را بصورت جدی در فکر تجدید نظر در حضور نظامی شان در افغانستان انداخته است.

همچنان حضور نیروهای ائتلاف در حالی وارد دهمین سال خود می شود که استقرار امنیت و کمک سخاوتمندانه که آمریکا وعده داده بود مردم را دلسرد و مایوس ساخته است. کشتار غیر نظامیان و هزینه های سرسام آور جنگ، همه آن چیزی است که در پایان نوسال تصرف کشور عاید مردم شده است. جنگ افغانستان ابتدا در اتاق جنگ کاخ سفید و سپس در کاخ ریاست جمهوری پاکستان کلید خورد. پاکستان تا پیش از حمله آمریکا به افغانستان یکی از اصلی ترین جریان های حامی "طالبان" محسوب می شد و پس از سخنرانی مشهور جورج بوش که وی در آن به صراحت اعلام کرد که کشورهای دنیا یا دوست ما هستند و یا دشمن ما، اسلام آباد هم به جنگ با تروریسم مورد ادعای واشنگتن پیوست و تبدیل به عمده ترین شریک ایالات متحده در جنگ با "طالبان" شد. اهمیت همراهی پاکستان در جنگ افغانستان تا آنجاست که تحلیلگران معتقدند با توجه به اقلیم خاص افغانستان و وجود کوهها و دشت های وسیع در آن اصولاً امکان پیروزی سهل الوصول آمریکا در این جنگ وجود نداشت.

تا پیش از حمله نیروهای ائتلاف به افغانستان، کابل و قندهار دو مرکز عمده فرماندهی "طالبان" محسوب می شدند و بسیاری از کشورهای عرب منطقه هم از آن حمایت های ایدئولوژیک و لوژستیکی می کردند. قندهار و کابل با کمترین مقاومت تسلیم شدند. فرماندهان و سربازانی که سالیان درازی را با پشتوانه ایدئولوژیک جنگیده بودند اینک این سؤال را در ذهن افکار عمومی دنیا باقی گذاشتند که چه در پس پرده این تسلیم وجود داشت که نه سربازان و نه فرماندهان را انگیزه ای برای جنگ نبود؟ برخی اینگونه استدلال کردند که "طالبان" با نفوذ که در میان بخش قابل توجهی از مردم تضمین های امنیتی لازم برای حضور در ساختار قدرت دولت آینده را از طیف پیروز جنگ دریافت کرده و بر همین اساس هم به ترك بدون کمترین خونریزی مراکز فرماندهی خود تن داده است.

پاکستان اگرچه دستی در دست آمریکا در جنگ ضد تروریسم داشت اما رییس جمهور ما و بخش عمده ای از تحلیلگران وزارت خارجه آمریکا و سیا نیز بر این عقیده بودند که جنرال ها دست دیگر را همچنان در دست "طالبان" نگاه داشته اند. کرزی، پاکستان را به دخالت در امور داخلی کشورش متهم مینماید و ساطت کاخ سفید هم نتوانست میان اسلام آباد و کابل آشتی برقرار کند و این تنش باوجود برخی رفت و آمدهای دیپلماتیک دو کشور به مانند آتشی بر زیر خاکستر باقی ماند. بهانه حضور مرکز فرماندهی "القاعده" در افغانستان کافی بود تا هزاران تن از نیروهای آمریکا و انگلیس راهی

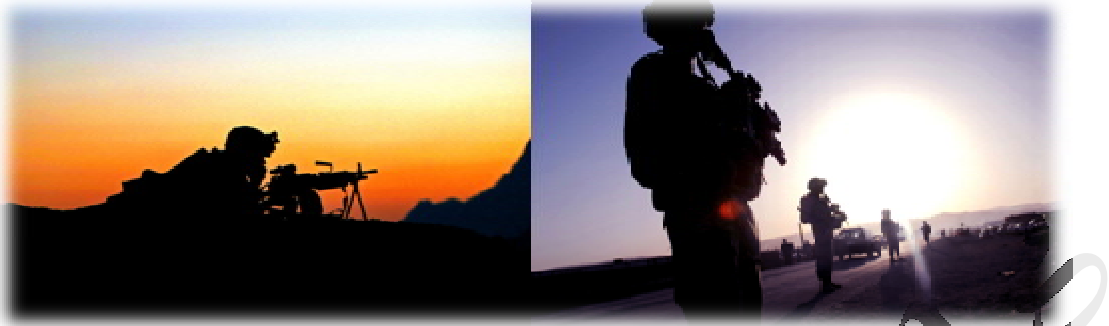
افغانستان شوند و امروز پس از سال ها همچنان مردم مظلوم، نه "طالبان" و "القاعده" بهای تصرف را بپردازند.

حضور نزدیک به صدوپنجاه هزار سرباز خارجی در کشور محلی را فراهم آورد که به گفته یکی از تحلیلگران اطلاعاتی آمریکا هزاران تروریست را از دیگر نقاط دنیا به مانند آهن ربا جذب این کشور کند. امروز همانند سال های گذشته بی ثباتی و ناامنی در کشور بیداد می کند هیچ کجای کشور بشمول کابل امن نیست. وضع رفاهی مردم نیز تفاوت قابل ملاحظه ای نکرده است و قطع آب و برق و تلفون به دفعات زیاد در طول روز اتفاق می افتد و دستگاه های ارتباط تلفونی در سراسر کشور از طرف شب توسط "طالبان" قطع میشود. کشت مواد مخدر پس از حضور آمریکا نه تنها کاهش نیافته بلکه افزایش قابل ملاحظه ای (هشت هزار تن) نیز یافته است. ناامنی بیداد می کند، "طالبان" به لطف ناکامی نیروهای ائتلاف و ضعف دولت مرکزی ولایات جنوبی، شرقی، غربی و شمالی و شمال شرقی را به جولانگاه خود تبدیل کرده اند و نیروهای دولتی و ائتلاف را به مبارزه می طلبند. بن لادن زنده است و گهگاه دست مایه رسانه های آمریکا می شود و در این میان این مردم هستند که هزینه می پردازند، هزینه ای با جان و مال خود.

جنگی که هیچ دستاورد امنیتی برای آمریکا و افغانستان به همراه نداشته و تنها چیزی که می توان از آن برداشت کرد، هزینه های گزافی است که این جنگ بر مردم آمریکا تحمیل کرده و در طرف دیگر کشتار غیرنظامیان و ناامنی و بی ثباتی در کشور است. هنگامی که نیروهای آمریکایی و انگلیسی نوسال پیش، افغانستان را با هدف مقابله با "طالبان" و مبارزه با تروریسم مورد تاخت و تاز قرار دادند، مدعی بودند که در اندک زمانی آزادی، دموکراسی و آرامش را برای مردم به ارمغان خواهند آورد. اینک با گذشت سال ها از حضور این نیروها، نه تنها کشور روی آرامش و دموکراسی را ندیده بلکه در گرداب ناامنی و نابسامانی غوطه ور شده است.

دونالد رامسفلد وزیر دفاع قبلی آمریکا چندی پیش در يك مصاحبه مطبوعاتی گفت: جنگ در افغانستان يك موفقیت بزرگ بود و از این طریق، مردم افغانستان به آزادی و زندگی بهتر دست یافتند. برای کسی که حتی اطلاعات اندکی هم از افغانستان داشته باشد این سؤال پیش می آید که رامسفلد از کدام افغانستان سخن می گوید؟ رامسفلد در شرایطی این سخنان را به زبان می آورد که "طالبان" و "القاعده" در سراسر کشور پراکنده شده و هر روز درگیری ها و مشکلات جدیدی به بار می آورند. حتی کابل که آمریکا از آن به عنوان نمونه ای برای دیگر شهرهای افغانستان یاد می کند آنقدر نا امن و خطرناک است که سفارتخانه های خارجی در این شهر، امکان فعالیت ندارند و دیپلمات ها کمتر جرأت می کنند اتاق کار خود را ترك کنند. خشونت و جنایت در کوچه و پس کوچه های کابل به پدیده ای روزمره تبدیل شده و فقر، بیماری و بیکاری، به اوج خود رسیده و مردم با هزاران مشکلات و پرابلم دست و

پنجه نرم میکنند. ریچارد کلین از مقامات پیشین وزارت امور خارجه آمریکا و مدیر بخش خاورمیانه بنیاد کیسینجر در واشنگتن، در مقاله ای می نویسد: کابل برای دیپلمات های آمریکایی به منزله يك زندان است. سفارت آمریکا در کابل تقریباً به حالت تعطیل است.



فرستاده متوفی باراک اوباما به افغانستان و پاکستان در کنفرانس امنیتی مونیخ اظهار کرد که پیروزی در جنگ افغانستان به مراتب سخت تر از پیروزی در جنگ در عراق است. آمریکا در مورد جنگ افغانستان با مشکل جدی روبرو شده است که بیش از این با چنین موردی برخورد نداشته است. هالبروک افزود که به عقیده وی شرایط بد جاری در افغانستان همچنان در حال افزایش است که در آینده بد تر از وضعیت جاری در افغانستان خواهد شد.

بیرون از کابل، درگیری، نا امنی و منازعه قریه به قریه، شهر به شهر و ولایت به ولایت به چشم می خورد. به تمامی این نابسامانی ها باید مسأله پیچیده تولید و توزیع مواد مخدر را نیز اضافه کرد. آمار منتشر شده از سوی مجامع بین المللی حاکی است که تولید مواد مخدر در کشور پس از حضور نیروهای آمریکایی بشدت افزایش یافته و طی سال گذشته دو برابر شده است.

حال این سؤال مطرح است که وزیر دفاع قبلی آمریکا از کدام افغانستان سخن می گوید؟ واقعیت آن است که نیروهای خارجی نه تنها برای مردم دستاورد مثبت و مفیدی نداشته اند بلکه خود نیز در گرداب عمیق و پرهزینه ای فرو غلتیده اند. آمریکا نزدیک به صد هزار نیروی نظامی در کشور دارد که پانزده تا بیست هزار از آنان تحت فرماندهی ناتو و بقیه به عنوان سربازان مستقل عمل می کنند. هم زمان با افزایش دهها هزار نیرو برای مقابله با نیروهای "طالبان" شمار نیروهای آمریکایی کشته شده در کشور در سه ماه اول سال دوهزار و ده میلادی در مقایسه با سه ماه اول سال دوهزار و نو به شدت افزایش یافته است. این در حالی است که افزایش کشته شدن نیروهای آمریکایی در کشور با افزایش شمار مجروحان این نیروها نیز همراه بوده است.

مقامات آمریکایی همچنین هشدار دادند که تلفات نیروهای آمریکایی هم زمان با کامل شدن استقرار سی هزار نیروی دیگر در افغانستان احتمالاً افزایش خواهد یافت.

مایک مولن رییس ستاد مشترک اردوی آمریکا اخیراً هشدار داده بود که روزهای سخت تری در انتظار نیروهای آمریکایی خواهد بود. در همین حال بر اساس اعلام آمارهای جدید از سوی پنتاگون مشخص شد که در طی دو ماه اول سال دوهزار و ده، پنجاه و هفت نیروی آمریکایی کشته شدند. این درحالی است که در ماه های جنوری و فبروری دوهزارونو، بیست و هشت نیروی آمریکایی کشته شده بودند. شمار کشته شده گان نیروی انگلیسی نیز در مقایسه با سال های گذشته افزایش یافته است. به طوری که از ابتدای جنوری سال جاری حد اقل سی و سه نیروی انگلیسی کشته شده اند در حالی که در زمان مشابه در سال دوهزارونو، پانزده نیروی انگلیسی کشته شده بودند. افزایش شمار کشته شده گان نیروهای آمریکایی و انگلیسی باعث انتقادهای گسترده داخلی در آمریکا و انگلیس شده است.

از جانب دیگر رئیس جمهوری کشور جامعه جهانی را در افزایش تولید مواد مخدر در کشور مقصر میدانند. رییس جمهور در سومین کنفرانس ملی مبارزه با مواد مخدر گفت که قاچاق مواد مخدر در افغانستان در اختیار مافیای بین المللی است و مبارزه با آن نیز تلاش جامعه جهانی را طلب می کند. کرزی با ابراز نارضایتی از روند مبارزه با مواد مخدر تاکید کرد که جامعه جهانی هماهنگی لازم را با دولت برای نابودی کشت خشخاش ندارد. رییس جمهوری افزود که قاچاق مواد مخدر توسط مافیای بین المللی و نه افغان ها صورت می گیرد. انتقاد صریح کرزی از جامعه جهانی به دلیل ناموفق بودن مبارزه با مواد مخدر، نشان دهنده افزایش تهدیدهای ناشی از افزایش تولید مواد مخدر است. رییس دولت پیش ازین نیز گفته بود که اگر خشخاش نابود نشود، افغانستان نابود خواهد شد.

افزایش کشت خشخاش و تولید مواد مخدر از جمله شاخص های اصلی ناکامی آمریکا و متحدینش در کشور است. زیرا یکی از شعارهای اصلی آمریکا درتداوم حضور در کشور، مبارزه با مواد مخدر بوده است. به اعتقاد کارشناسان با توجه به حجم گسترده زمین های تحت کشت خشخاش، مبارزه با مواد مخدر تنها از طریق دولت کرزی امکان پذیر نیست. طبق آمارسازمان ملل، در سال دوهزار و هفت میلادی سطح زیر کشت خشخاش در کشور به یکصدونودوسه هزار هکتار رسیده است. مواد مخدر یک سوم اقتصاد داخلی ما را تشکیل می دهد و به همین دلیل کمک جامعه جهانی در رفع این معضل بسیار ضروری است. متنوع ساختن درآمد دهقانان، ارائه کشت جایگزین و مبارزه جدی باکشت خشخاش و تولید مواد مخدر نیازمند همکاری جامعه جهانی با دولت است. نکته جالب این که در اصلی ترین محل استقرار نیروهای انگلیسی یعنی ولایت هلمند، بیشترین تولید مواد مخدر صورت می گیرد. این درحالی است که انگلیس متولی اصلی مبارزه با مواد مخدر درکشور است. همکاری برخی سازمان های اطلاعاتی غربی با باندهای بین المللی مواد مخدر، از آفت های اصلی مبارزه با مواد مخدر است، موضوعی که کرزی نیز به آن اعتراض دارد. به گفته کرزی، والی هلمند در

مبارزه با کشت خشخاش کاری نمی تواند انجام دهد، زیرا نیروهای خارجی اختیار لازم را از نماینده دولت گرفته و به "طالبان" سپرده اند.

موفقیت نیروهای غربی در مبارزه با "طالبان" و "القاعده" و دستیابی به سطوحی امیدوارکننده از امنیت در کشور بسیار محدود بوده است. این ناکامی به دلیل شکست نیروهای ائتلاف در توسعه و اجرای طرح مشترک و هماهنگ در کشور با هدف پایان بخشیدن به ناآرامی و تروریسم و همچنین ایجاد ثبات و اجرای عملیات بازسازی در کشور بوده است. در سطح طرح، هدف سیاسی توافق شده نابودی "القاعده"، شکست "طالبان" و کمک به کشور برای تبدیل شدن به سرزمین با ثبات و دمکراتیک بود اما تا کنون نیروهای ائتلاف در تبیین طرح جامع که بتواند تمامی این اهداف را به طور مساوی تأمین نماید عاجز بوده اند. هماهنگی داخلی نیروهای ائتلاف در مورد توسعه حیطه عملیاتی در کشور به شکلی فزاینده تضعیف شده است. اشتیاق به مشارکت در خطر پذیری به موضوعی کلیدی تبدیل شده است و پیش بینی ای امنیتی با اما و اگرهای بسیاری همراه است. تمامی کشورهای عضو ناتو آماده ارسال نیرو به کارزار جنگ نیستند و این موضوع اصل محوری انسجام این پیمان را زیر سؤال برده است. در سطح عملیاتی، تغییرات گسترده چارچوب های قانون برای انجام عملیات های نظامی تا حدود بسیاری بر نحوه عملکرد بیمار گونه نیروهای ایساف برای مشارکت در مبارزات طولانی مدت در کشور مؤثر بوده است. به همین دلیل شانس موفقیت این گونه عملیات ها به هیچ وجه قابل پیش بینی نیست. باید پذیرفت هماهنگی داخلی نیروهای ائتلاف هر روز کاهش می یابد.

شماری از اعضای کانگرس در باره اقدامات اداره باراک اوباما بدلیل ریشه کن سازی تروریستان از مناطق سرحدی میان افغانستان و پاکستان ابراز شک و تردید کردند.

آنان می پرسند که اداره اوباما چه اقداماتی را علیه "طالبان" و "القاعده" در مناطق سرحدی میان افغانستان و پاکستان کرده است؟ همچنان یک عضو حزب جمهوری خواهان در کانگرس امریکا میگوید که "طالبان" و "القاعده" در مناطق سرحدی میان افغانستان و پاکستان پناهگاه دارند، بنا بجای اینکه در مورد فرستادن سربازان بیشتر به افغانستان فکر شود، باید درباره آن فکر کنیم که چگونه تروریستان را در این منطقه از بین ببریم.

هفته نامه آلمانی اشپیگل، با اشاره به راهبرد جدید آمریکا در افغانستان و واکنش های منفی صورت گرفته نسبت به آن نوشت که رئیس جمهور آمریکا در ارائه این موضوع منظور اصلی خود را عنوان نکرد و به همین دلیل صحبت های وی صادقانه تلقی نمی شود. مردم پس از شنیدن این سخنان اوباما بیش از آنکه اطمینان خاطر پیدا کنند، مضطرب شدند و همین موضوع نشان میدهد که سخنان وی دیگر اثری را که مورد نظر اوست، را ندارد.

رویکرد جامع نیروهای ائتلاف درخصوص عملیات‌های تأمین ثبات و بازسازی، در عمل به مفهومی گریزان و دست نیافتنی تبدیل شده است. توافق بر این است که همکاری نظامیان و غیرنظامیان باید بخشی حیاتی در عملیات‌های این کشور باشد اما اینکه چگونه این موضوع در عمل قابل اجراست به‌عنوان سؤالی بزرگ باقی مانده است. در سطح تاکتیکی، کشور آزمونی جدی در روشن ساختن ارزش توانایی مبارزه حتی در سطح عملیات‌های تثبیت و بازسازی را پشت‌سر می‌گذارد در حالی که نیروهای ناتو و نیروهای ائتلاف از توانایی اندکی در این زمینه برخوردارند. این مناقشه هر روز به بحرانی منطقه‌ای نزدیک‌تر می‌شود. نیروهای ائتلاف نمی‌توانند پایگاه‌های "طالبان" در مناطق مرزی پاکستان را مورد هدف قرار دهند و این درحالی است که "طالبان" از خاک پاکستان به عنوان بهشتی امن برای طرح ریزی و ادامه فعالیت‌های خود در کشور بهره می‌جویند. لذا یکی از دلایل تمایل آمریکا به تداوم فعالیت نسبی "طالبان"، بزرگنمایی فعالیت تروریستی و تأکید بر ضرورت همکاری دولت‌های منطقه در راستای سیاست‌های کاخ سفید است. در دومین گمانه هم می‌توان گفت که فعالیت "طالبان" می‌تواند ابزاری مناسب برای فشار دولت آمریکا بر دولت کنونی کابل باشد.

در صورتی که فعالیت‌های تروریستی از جمله فعالیت "طالبان" در کشور کاهش یابد، امکان اعمال فشار آمریکا بر کشور کاهش می‌یابد و پیگیری سیاست‌های مستقل توسط کابل، منافع آمریکا را به مخاطره می‌اندازد. لذا برخی تحلیل‌گران معتقدند که آمریکا قصد دارد کشور را به پایگاه دائمی نظامی خود با هدف دسترسی آسان به منطقه تبدیل کند. از سوی دیگر با توجه به نا کارآمدی سیاست آمریکا در مبارزه با "طالبان"، مذاکره با این گروه ممکن است در راستای سیاست فرار از شکست باشد. به عبارت دیگر کاخ سفید به دلیل ناکامی در شکست "طالبان"، به دنبال وارد کردن این تروریستان به ساختار سیاسی فعلی است. اما یک موضوع خیلی مهم است که هرگونه مذاکره با "طالبان" توسط خارجیها با واکنش جدی مردم ما و جامعه بین‌المللی روبرو می‌شود.

اما این بار بحث مذاکره با "طالبان" دیگر شایعه نیست، یک تصمیم و بلکه یک توافق است. توافقی نه پنهان و پشت پرده که آن قدر آشکار و عیان، که شما رئیس‌دولتی که آمده بودید تا "طالبان" را مهار و منزوی سازید با صدای بلند آن را اعلام می‌کنید. برای مردم خسته از ناامنی و ناامید از عملکرد مسئولان امنیت، گوش به شنیدن تصمیمی مهم از رییس دولت است و بارها رییس دولت خبرنگاران را فرامی‌خواند و اعلام می‌کند که تصمیم قطعی برای مذاکره با "طالبان" گرفته شده است. جناب رییس دولت کرسی پا فراتر گذاشت و پیشنهاد مذاکره با دو نماد و دو چهره مخوف عملیات‌های تروریستی را ارائه کرد: یعنی ملا عمر و گلبدین حکمتیار که قبل از این هردو در لیست سیاه دولت کابل و آمریکا قرار داشتند و کرسی آنها را خط سرخ مذاکره خوانده بود.

رئیس دولت اما این بار گفت که اگر آدرس این دو رهبر مخالفان را در اختیار می داشت، شخصاً افرادی را برای گفت و گو با آنها می فرستاد. رئیس جمهور در ادامه برای آنکه محافل داخل را نیز مهیای پذیرش این تصمیم سازد گفت ایالات متحده آمریکا و سازمان ملل متحد نیز از این اقدام حمایت می کنند. حتی مدعی شد که عده دیگری از رهبران جهان در مورد مذاکره با "طالبان" صحبت کرده و آنها نیز از طرح مذاکره با "طالبان" حمایت کرده اند. جناب رئیس دولت اضافه کرد که این خواسته "طالبان" را که آشتی و مصالحه را به خروج نیروهای خارجی گره بزنند نخواهد پذیرفت. موضوع مذاکره با "طالبان" بحث تازه ای نیست، این مسأله بویژه در يك سال اخیر از کانال های مختلف مطرح و حتی پیگیری شده است. به تعبیر برخی ناظران معمای مذاکره با "طالبان" همواره به صورت يك وظیفه تاخیر ناپذیر روی میز بازیگران داخل و خارج قرار داشته است.



جای هیچ شکی نیست که شعار مبارزه با تروریسم و ایجاد فضای دموکراسی در افغانستان حرف بیش نبوده و نیست، چون افغانستان با این اوضاع فلاکت بار اقتصادی و درگیریهای قومی و قبیله ای نه فرصت حمایت از تروریسم جهانی را داشت و نه هم توان حملات تروریستی در جهان به خصوص در آمریکا را در خود می دید، تنها يك فرد از رهبران "القاعده" در افغانستان حضور داشت، همه تشکیلات او در کشورهای عربی و پاکستان فعال بود آیا به خاطر يك شخص باید هزینه گزاف مصرف کرد و يك کشور را تا اینجا به چالش کشید. و به قول معروف بخاطر یک شیش یوستین را آتش زد؟.

اما تفاوت ماجرا در این جاست که در سال های قبل دوران جنگ موضوع مذاکره با "طالبان" بیشتر حالت يك تاکتیک یا سوژه بازی را داشته است که طرف های بین المللی و منطقه ای هراز گاهی برای تأمین اهداف مقطعی خویش آن را دامن می زدند. به طور مثال در فواصل زمانی هر کدام از بازیگران و دولت های خارجی برای تأمین منافع مقطعی و موسمی خویش در گوشه ای از میدان جنگ یا در مقرهای امنیتی اسلام آباد و پایتخت های اروپایی با تیمی از "طالبان" به مذاکره

نشسته اند. اما مذاکره ای که اکنون در زبان کرزی ستایش شده است ماهیتی متفاوت دارد. این مذاکره چنان که شخص اول کشور می گوید در چشم انداز خویش به دنبال شراکت دادن "طالبان" در قدرت است.

مذاکره با تعریف دوم در واقع به رسمیت شناختن "طالبان" منتهی می شود و بر حضور و نفوذ این گروه تروریست در معادلات سیاسی مهر تأیید می نهد. این الگو از مذاکره خواهی با عبارتی آشنا توجیه می شود و آن این که: "طالبان" بخشی از واقعیت افغانستان است، خاستگاه این نظریه، کابل و رییس دولت نیست بلکه مبدع و مبتکر آن دولتمردان کشور همسایه یعنی پاکستانی ها هستند.

به همین دلیل قاطبه ناظران امتیازات سیاست مصالحه با "طالبان" را به نام قدرت حامی "طالبان" یعنی اسلام آباد ضرب کرده اند. دیپلمات ها و افسران اطلاعاتی پاکستان جز در اوایل سقوط "طالبان" که سکوتی مصلحت آمیز در این زمینه پیشه کردند همواره موضوع سازش با "طالبان" را به عنوان یک سیاست تعقیب کرده اند. بار اول شوکت عزیز در جریان اجلاس مهم اعضای ناتو در شهر ریگا از غرب خواست تا باب مذاکره با "طالبان" را باز کند. جالب است که مردان اسلام آباد در پیگیری این اندیشه جنجالی خود هیچ گاه منتظر تصمیم کابل یا غرب و ناتو نمانده اند لذا آنها دومین گام خود را برای شناسایی تروریستان برداشتند.

در منطقه سوق الجیشی و قبیله نشین وزیرستان که به عنوان مرکز سربازگیری و پشتیبانی نظامی و لوژستیک "طالبان" و مخفیگاه تندروها شهرتی جهانی دارد. مقام های اسلام آباد نخستین عهدنامه دوستی و همکاری با "طالبان" را به امضا رساندند. در پیمان وزیرستان که در واقع به حضور "طالبان" رسمیت بخشید سران قبایل حامی "طالبان" به این امتیاز مهم دست یافتند که در قبال ترک مخاصمه با اردوی پاکستان اختیار اداره این مناطق که گلوگاه تماس با افغانستان است را در دست بگیرند. اینکه بعد از توافق، شیوه های بازی تغییر نمود، بحث جداگانه میطلبد. به این صورت می توان حدس زد که امروز هیچ کس به اندازه دولت همسایه ما از این اتفاق که سر انجام دولت منتخب جامعه بین المللی را پای ایده خود کشانده است خشنود نیست برای جنرال ها و کارمندان آی اس آی در این روزهای بحرانی کشورشان این می تواند شیرین ترین خبر باشد.

رییس دولت گفت که پیشنهاد او به تأیید آمریکا و مجامع جهانی رسیده است. این نکته ای است که حتی اگر بر زبان رییس جمهور نمی آمد، افکار عمومی به آن واقف بودند. زیرا از دید عموم ناظران مسأله سازش تصمیمی نیست که محترم کرزی به تنهایی قادر به اتخاذ آن باشد، همه آنهایی که در داخل و خارج سخنان کرزی را دنبال می کنند، پیشنهاد او برای مذاکره با "طالبان" را در حکم پیشنهاد مستقیم کاخ سفید تلقی میکند. این سند گویای خیلی از زوایای مهم و تاریک جنگ کشور است بویژه برای کسانی که در پی تصویری روشن از پشت صحنه جنگ یا یک ارزیابی واقع بینانه از

جبهه های درگیری هستند، سخن یا پیشنهاد رییس دولت ما می تواند خیلی روشنگرانه باشد. این پیشنهاد جای تردیدی باقی نمی گذارد که بازیگران خارجی در کشور بر پیروزی در این جنگ چشم بسته اند. این سخن جناب رییس دولت که طرح او برای سازش با فرماندهان تروریسم از سوی سه مرجع سازمان ملل، ناتو و آمریکا به امضا رسیده است. بزرگترین اعتراف به شکست پروژه صلح در کشور است.

واقعیت این است که طرح مذاکره با "طالبان" در بدترین زمان ممکن یعنی اوج ضعف نظامی جبهه مقابل "طالبان" مطرح می شود لذا يك نگاه عمیق به پس زمینه پیشنهادی که روی میز کرزی قرار گرفته روشن خواهد کرد که طرح مذاکره با "طالبان" در واقع به صورت يك راه علاج و به قول کارشناسان راه برون رفت برای ائتلاف از باتلاق کشور مطرح شده است. شواهد زیادی دلالت بر این دارند که این سناریو با آنکه از تریبون حکومت ما و با زبان سخنگویان آن بیان میشود اما اساس آن با قلم سیاستگذاران بیرونی تدوین یافته است.

همچنان در تازه ترین بیانیه خویش وزیر خارجه آمریکا گفت که نمی تواند در این مورد که پاکستان استفاده از تروریسم علیه افغانستان و هند را متوقف کرده یا خیر، نظر قطعی بدهد. هیلاری کلینتون گفت: اسلام آباد پیش از این از گروه های تروریستی به عنوان مانعی علیه هند و دولت قبلی افغانستان استفاده می کرد تا این دو همسایه، دولت این کشور را تضعیف نکنند. پاکستان در گذشته با حمایت از گروه هایی که در آینده وکلای آنها برای جلوگیری از تضعیف جایگاهشان در هند و افغانستان بودند، علیه این دو کشور استفاده کرده است. اکنون مسائل در حال تغییر است، اما من قادر نیستم در این مورد که پاکستان استفاده از گروه های تروریستی را کنار گذاشته یا خیر، اظهار نظر قطعی کنم.

وزیر خارجه هیلاری کلینتون همچنان تاکید نمود: آمریکا گروه های افراطی مشخصی را ایجاد کرد و از تروریست هایی مانند اسامه بن لادن در زمان مبارزه علیه اتحاد جماهیر شوروی سابق حمایت کرد، اما نتایج معکوس دریافت کرد، اکنون ما در حال جنگ با بخشی از آن چیزی هستیم که ساخت دست آمریکا بوده است.

ما نیروهای "مجاهدین" در افغانستان را برای جنگ علیه شوروی سابق ایجاد کردیم، آنها را آموزش داده، تجهیز کرده و از لحاظ مالی حمایت کردیم از جمله اسامه بن لادن. اما این اقدام برای ما نتیجه خوبی نداشت.